

مطالعه تطبیقی حق بر شیردهی و تغذیه با شیر مادر

سید مهدی کاظمی^{*}، زهرا مشایخی^{**}

چکیده

شیردهی، رابطه‌ای دوسویه میان مادر و کودک است که از یک طرف حقی برای مادر جهت تغذیه فرزند با شیر مادر ایجاد می‌کند و از سوی دیگر از جمله حقوق کودک است که متضمن مصالح عالی بهداشت وی و از منسوبات حق بنیادین کودک بر تغذیه است. بر این اساس لازم است از سوی دولت‌ها و جامعه محترم شمرده شود. البته مسئله چارچوب حدود و ثغور حقوق و آزادی‌های طفل و مادر نیازمند تبیین است. اینکه آیا حقی به‌عنوان تغذیه با شیر مادر برای کودک وجود دارد؟ آیا شیردهی به طفل برای مادر حق است یا تکلیف و آیا می‌توان مادر را از شیردهی به فرزند خویش منع یا او را به این امر مکلف نمود؟ آیا سنخ دیگری از حق در رابطه عمودی میان دولت و شهروند در این خصوص وجود دارد. این سؤالات در مورد حقوق مرتبط با شیردهی و پاسخ دهی به آن‌ها مستلزم بررسی نقش دولت‌ها در حمایت از تغذیه با شیر مادر و وضع مقرره‌های حمایتی و استخدام ابزارهای تشویقی و نیز بررسی مقرره‌های حقوق خانواده در قالب نهادهای مرتبط است. نتایج این مطالعه که به بررسی تطبیقی نقش دولت در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران و بررسی تطبیقی حق و تکلیف شیردهی در فقه امامیه و عامه و نیز نظام حقوق ایران و سایر کشورهای اسلامی پرداخته، نشان می‌دهد حقوق و آزادی‌های بنیادین مادر، بر حق عادی کودک بر تغذیه با شیر مادر مقدم است، با این حال دولت‌ها مکلف به رفع موانع در حوزه شیردهی می‌باشند.

واژگان کلیدی

حق بر تغذیه، حق بر شیردهی، حضانت، نفقه، رضاع.

*. دانشجوی دکتری حقوق خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران (نویسنده‌ی مسئول) (seyedbox@gmail.com)

** . دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران (z.mashayekhi@outlook.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲

۱- مقدمه و بیان مسئله

قواعد حقوقی حاکم بر نهاد خانواده به‌عنوان کانون تبادل عواطف انسانی، از دیگر نهادهای اجتماعی کمتر بوده است. در نهاد خانواده مهرورزی و فداکاری، بر قواعد خشک حقوقی غلبه می‌یابد و این قواعد اخلاقی است که بر مسند حکمرانی قلمرو خانواده تکیه زده است؛ هرچند این حکمرانی در عرصه روابط والدین و فرزندان بیش از روابط میان زوجین دیده می‌شود که از مصادیق بارز آن رابطه‌ی شیردهی میان کودک و مادر می‌باشد. رابطه‌ای که علاوه بر ضرورت آن در تغذیه و سلامت جسمانی کودک، در تکوین شخصیت کودک، رشد عاطفی و سلامت روان نیز مؤثر است. از سوی دیگر، شیردهی به فرزند، ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی مادر، ارزشمندی اخلاقی دارد که به‌سادگی قابل چشم‌پوشی نیست.

تغذیه با شیر مادر که تغذیه‌ی طبیعی نیز خوانده می‌شود، به‌عنوان یک عامل حیاتی در رشد و نمو و سلامت شیرخواران شناخته شده است (سیفی و رزمخواه، ۱۴۰۰: ۵۶). در منابع دینی از جمله قرآن کریم بر ارزش شیر مادر و شیردهی صحه گذاشته است: «والوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعه...»

و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند.»

همچنین پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «لیس للصبی لبن خیر من لبن امه؛ شیری برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست.» (حرعاملی، ج ۲: ۴۶۸)

در این عرصه، همواره تکالیف والدین بر حقوق آن‌ها غلبه دارد و در حقوق خانواده، حمایت از کودکان به‌عنوان اشخاصی ضعیف و وابسته به بزرگسالان بیش از حقوق والدین مورد توجه است. با این وجود، در مواردی در کشاکش حقوق والد و فرزند، جانب والد گرفته‌شده و آزادی عمل وی نسبت به نیاز فرزند محترم‌تر شناخته‌شده است. مسئله شیردهی مادر به کودک خود، یکی از این موارد است.

یکی از حقوق ضروری و بنیادین کودک، حق بر نگهداری و تربیت اوست که در نظام حقوق اسلام تحت عنوان «حضانة» از آن یاد می‌شود. در انجام تکلیف حضانت، اصولاً والدین نسبت به کلیه اعمال و رفتارهایی که عقلاً و عرفاً برای نگهداری کودک لازم است، تکلیف دارند، اما لوازم حضانت در قانون و شرع، احصاء نشده است. باین‌حال در فقه امامیه و به‌تبع آن در قانون مدنی ایران، تنها یک مصداق از زمره تکالیف حضانتی مادر استثناء شده است و آن مسئله رضاع یا شیر

دادن به کودک است. ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.»

این مقرر که در بادی امر مغایر با اخلاق و توصیه‌های پزشکی و دینی در خصوص لزوم تغذیه کودک با شیر مادر است؛ این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا می‌توان آن را مغایر با موازین حقوق بشری در خصوص حق تغذیه کودک دانست؟ آیا در اسناد بین‌المللی حقوق کودک، حتی برای کودک تحت عنوان حق تغذیه با شیر مادر شناخته شده است؟ آیا نظام حقوقی ایران در خصوص مقوله شیردهی، موافق با رویکرد حقوق بشری است؟

از سوی دیگر حق مادر بر شیردهی طفل خود، محل بحث و بررسی است. زیرا شیردهی محدودیت‌هایی را در شغل و تحصیل و سایر آزادی‌ها برای مادر ایجاد می‌کند و این حق، عملاً تضییق خواهد شد. حمایت از چنین حقی از یک‌سو مداخله دولت در حمایت از زنان شیرده را در برقراری امتیازهای شغلی و تحصیلی یا ایجاد امکان شیردهی برای زنان زندانی می‌طلبد و از سوی دیگر در کشاکش حقوق زوجین، در صورت امکان تغذیه کودک به طریق دیگری، لازم است دولت با اولویت‌بخشی به تغذیه با شیر مادر در راستای حمایت از حق بر شیردهی مادر و حق بر تغذیه کودک با شیر مادر گام‌های مؤثری بردارد. در این خصوص اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری، حاوی مقرره‌های مفیدی برای دولت‌ها می‌باشند.

این موضوع در برخی مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است. غلامعلی (۱۳۹۹) در مقاله «حق بر تغذیه با شیر مادر در پرتو مبانی حقوق بشر اسلامی» این موضوع را از زاویه گفتمان دینی اسلامی با رویکردی جامعه‌شناختی و نیز در رابطه دین با مسئله شیردهی بررسی کرده است (غلامعلی، ۱۳۹۹). مختاریان و همکاران (۱۳۹۶) نیز در اثری تحت عنوان «ضرورت اخلاقی تغذیه با شیر مادر و پایبندی به حقوق نوزادان» به فوائد تغذیه با شیر مادر و ملاحظات اخلاقی آن پرداخته است (مختاریان و همکاران، ۱۳۹۶). زر نشان و رضوانی مفرد (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «حمایت از حق تغذیه کودک با شیر مادر در اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر» ضمن بررسی مبنای حق‌انگاری تغذیه با شیر مادر در پرتو نظریه‌های اراده و منفعت و رویکرد فمینیستی، به جلوه‌هایی از این حق در برخی از اسناد بین‌المللی و فواید و برکات شیردهی در آیات و روایات پرداخته‌اند لکن نوشتار حاضر در حوزه بین‌المللی، یک گام فراتر نهاده و ضمن ارائه تصویر جامع‌تری از نظام بین‌الملل در کلیه اسناد بین‌المللی، دکتترین شناسایی حق بر تغذیه با شیر مادر را منعکس نموده است. همچنین نقش و تکلیف دولت‌ها را از منظر بین‌المللی و نیز در حقوق ایران در حمایت

از حق بر شیردهی و وضع مقرره‌های تشویقی و ایجاد نهادهای ارفاقی و سیاست‌های حمایتی به تفصیل بحث کرده و ضمن پرداختن به حق و تکلیف شیردهی و تغذیه با شیر مادر در چارچوب نهادهای حقوق خانواده از جمله «حضانت» و «انفاق» مقایسه تطبیقی این موضوع را در نظام حقوق خانواده ایران، فقه امامیه، فقه عامه و سایر کشورهای اسلامی تبیین نموده است (زرنشان و رضوانی مفرد، ۱۳۹۶).

حق بر تغذیه از حقوق اساسی و بنیادین هر فرد است که در همه نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. به تبع حق تغذیه کودکان به لحاظ آنکه، کودکان از اقشار آسیب‌پذیر جامعه و وابسته به بزرگسالان هستند از اهمیت بیشتری برخوردار است. حق بر دسترسی به غذای مغذی و سالم و باکیفیت مطلوب، متضمن رعایت مصالح عالیه کودک خواهد بود. بر اساس استانداردهای علمی شیرمادر بهترین ماده غذایی برای اطفال تا سن دوسالگی است. شیر مادر از نظر علم پزشکی دارای مزایای خاصی برای تغذیه کودک است که آن را از سایر مواد غذایی ممتاز می‌سازد از جمله می‌توان به مغذی بودن، هضم آسان، درجه حرارت مناسب، جذب بالای آهن، وجود پادتن‌های لازم برای محافظت از کودک در برابر بیماری‌های عفونی و همچنین تقویت روابط عاطفی میان کودک و مادر در زمان شیردهی اشاره کرد (دزی‌صفت، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۳؛ وزیری، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۲؛ فیض، ۱۳۹۴: ۳۳۳-۳۳۰؛ باودن و تانیس، ۱۳۹۳: ۳۴۶؛ تقوی اردکانی و عزالدین زنجانی، ۱۳۹۴: ۳۹-۳۷).

بنابراین اصولاً از نظر پزشکی تغذیه کودک با شیر مادر توصیه می‌شود، مگر اینکه مشکلاتی مانند ابتلای مادر به بیماری‌های حاد یا مزمن، برآمدگی بیش از حد نوک سینه یا فرورفتگی آن و وجود نقص عضو در لب‌ها یا سقف دهان نوزاد وجود داشته باشد (دزی‌صفت، ۱۳۸۶: ۱۷۵). از سوی دیگر در منابع متعدد بر حق مادر بر شیردهی و آزادی عمل او در این خصوص تأکید و دولت‌ها مکلف بر رفع کلیه موانع شیردهی با شیر مادر شده‌اند تا زنان بتوانند با آزادی عمل نسبت به شیر دادن به فرزند خود اقدام نمایند. از این رو دولت‌ها باید کلیه زمینه‌های لازم برای حمایت از زنان شیرده را فراهم آورند.

۲- حق بر تغذیه با شیر مادر در نظام حقوق بین‌الملل و اسناد حقوق بشری

حق بر تغذیه یکی از حقوق مسلم در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک است. اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ مصوب ۱۹۴۸ در ماده (۱) ۲۵ مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد

1. The Universal Declaration of Human Rights 1948

از یک استاندارد زندگی که برای سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش از حیث خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های درمانی و خدمات لازم اجتماعی، مناسب باشد بهره‌مند گردد...» همین در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ مصوب ۱۹۷۶ نیز این حق به رسمیت شناخته شده است؛ به موجب ماده (۱) ۱۱ این میثاق، «دولت‌های عضو پیمان‌نامه، حق هر کس را به داشتن سطح مناسب زندگی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن مناسب و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند...» در ادامه، در بند دوم ماده مزبور، حق اساسی هر کس برای رهایی از گرسنگی به رسمیت شناخته شده است. در کنوانسیون حقوق کودک^۲ مصوب ۱۹۸۹، دو ماده به حق تغذیه کودک پرداخته است؛ ماده (۱) ۲۴ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، حق کودک را برای برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی و تسهیلات قابل حصول برای درمان بیماری و بازیابی سلامت به رسمیت می‌شناسند.» در بند دوم ماده مزبور دولت‌ها مکلف شده‌اند تا اقدامات مناسب برای تأمین حق تغذیه، بهداشت و سلامت کودک را انجام دهند. در ماده (۳) ۲۷ کنوانسیون مزبور نیز دولت‌ها موظف شده‌اند تا به‌ویژه در مورد تغذیه، پوشاک و مسکن کودکان، کمک‌های لازم را به والدین آن‌ها ارائه دهند. به‌علاوه در ماده ۱۵ میثاق حقوق کودک در اسلام^۳ مصوب ۲۰۰۵ صناعاً نیز به حق کودک نسبت به سلامت جسمی و تغذیه اشاره شده است. مطابق این ماده، استحقاق کودک در مراقبت جسمی و روحی باید از طریق فراهم نمودن مراقبت‌های لازم برای مادران در طی دوره شیردهی و همچنین تخفیف احکام قضایی یا تعویق اجرای مجازات‌ها در دوران شیردهی مادر و کاهش ساعات کاری مادران شیرده تحقق یابد. در نتیجه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق انسان و علی‌الخصوص کودک، نسبت به تغذیه، بهداشت و سلامت جسمی به‌عنوان یکی از حقوق مسلم تلقی شده است؛ لکن این پرسش قابل طرح است که آیا مطابق اسناد بین‌المللی موجود، می‌توان برای کودک حقی تحت عنوان «حق تغذیه با شیر مادر»^۴ شناسایی و تعریف نمود؟ آیا مادر تکلیفی برای شیر دادن به کودک خود دارد؟ آیا دولت‌ها موظف شده‌اند تا حق بر تغذیه با شیر مادر را در قوانین داخلی خود به رسمیت بشناسند و از آن حمایت کنند؟

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights 1976

2. Convention on the Rights of the Child 1989

3. Covenant on the Rights of the Child in Islam 2005

4. Breastfeeding

مسئله شیردهی کودک، در برخی از اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. برای مثال ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، پس از آنکه در بند اول به تعهد سلبی دولت‌ها در زمینه‌ی بهداشت و سلامت کودکان اشاره می‌کند، در بند دوم به تعهد ایجابی دولت‌های عضو کنوانسیون در خصوص پیگیری و انجام اقدامات لازم در زمینه‌ی بهداشت کودکان اشاره دارد و در نهایت دولت‌ها را مکلف می‌کند تا در خصوص مزایای تغذیه با شیر مادر اقدامات مقتضی از جمله آموزش و اطلاع‌رسانی را به عمل آورند. در همین راستا کمیته حقوق کودک در گزارش‌هایی که از وضعیت حقوق کودکان در کشورهای لهستان و تانزانیا در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده است، به وضعیت تغذیه کودکان با شیر مادر در این کشورها توجه داشته است.^۱ از سوی دیگر ماده (۱) ۱۵ میثاق حقوق کودک در اسلام مصوب ۲۰۰۵ نیز دولت‌ها را موظف به مراقبت از مادران در طی دوران شیردهی کرده است. به علاوه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، موارد متعددی وجود دارد که حاکی از لزوم به تأخیر انداختن مجازات مادران در دوران شیردهی است؛ مانند ماده ۱۲ منشور عربی حقوق بشر^۲ مصوب ۱۹۹۴ که بر ممنوعیت اعدام مادران شیرده تا قبل از سن دوسالگی فرزندان آن‌ها دلالت دارد.

۱۳۸

با این وجود موارد دیگری در جامعه بین‌الملل به چشم می‌خورد که موضوع آن‌ها به‌طور خاص مسئله تغذیه کودک از شیر مادر است. ظاهراً نخستین سندی که به‌طور خاص به این موضوع پرداخته، کنوانسیون حمایت از مادران مصوب ۱۹۱۹ است. حمایت از مادران از طریق مرخصی زایمان، حق دریافت و استفاده از مزایای پزشکی، ممنوعیت اخراج در طول مرخصی زایمان و در نهایت حق داشتن استراحت روزانه برای تغذیه با شیر مادر از جمله حمایت‌های حقوقی این سند محسوب می‌شود (زرنشان و رضوانی‌مفرد، ۱۳۹۶: ۵۹۵).

مجمع جهانی بهداشت^۳ در سال ۱۹۸۱، قانون بین‌المللی بازاریابی جایگزین‌های شیر مادر^۴ را در پاسخ به نگرانی‌هایی که در خصوص بازار نامناسب و رو به رشد جایگزین‌های شیر مادر وجود داشته، به تصویب می‌رساند و در سالیان بعد، این مجمع قطعنامه‌هایی را در ارتباط با این قانون وضع می‌کند (George Kent, 2001: 94).

در سال ۱۹۹۰ اعلامیه تأمین، ارتقاء و حمایت از شیردهی مادر در نشستی که در مرکز رشد

1. www.ohchr.org

2. The Arab Charter on Human Rights 1994

3. The World Health Assembly

4. International Code of Marketing and Breast-milk Substitutes

کودک در فلورانس ایتالیا و با موضوع شیردهی برگزار شد، به تصویب رسید.^۱ یکی از اهداف جهانی این اعلامیه این گونه بیان شده است: «کلیه زنان باید برای شیردهی توانمند گردند و کلیه کودکان شیرخوار باید از تولد تا ۲۴ ماهگی، منحصراً با شیر مادر تغذیه شوند.»^۲ در سال ۱۹۹۱ هیئت اجرایی یونیسف قطعنامه‌ای به شماره ۱۹۹۱/۲۲ تصویب نمود که مطابق آن، اعلامیه مذکور مصوب ۱۹۹۰، به‌عنوان اساس و پایه اقدامات و سیاست‌گذاری‌های یونیسف در حمایت از کودکان شیرخوار شناخته شد. در ادامه و در سال ۱۹۹۶، مجمع جهانی بهداشت نیز طی قطعنامه شماره ۱۹/۴۵ در زمینه‌ی تغذیه شیرخواران، حمایت خود را نسبت به اعلامیه ۱۹۹۰ اعلام کرد (George Kent, 2001: 94).

در سال ۱۹۹۲، مطابق اعلامیه جهانی و برنامه اقدام برای تغذیه^۳، در نشست در کنفرانس بین‌المللی تغذیه در رم تا پایان دهه ۹۰ باید کلیه موانع شیردهی مادران کاهش داده شود.^۴ در ماده ۳۰ این برنامه اقدام آمده است: «شیردهی توسط مادر، مطمئن‌ترین شیوه تأمین امنیت غذایی کودکان است و باید ارتقاء یابد و با سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب حمایت شود.»^۵ ماده ۳۳ این برنامه نیز عنوان می‌کند: «دولت‌ها با همکاری کلیه اشخاص مرتبط، باید با تشویق و توانمندسازی زنان به شیردهی انحصاری طی ۲۴ ماهگی زندگی کودکانشان، از بیماری‌های منتقله از مواد غذایی و آب و دیگر عفونت‌ها در شیرخواران و کودکان جلوگیری کنند.»^۶ در ماده ۳۴ نیز جزئیات مفصل‌تری در خصوص اقدام برای ارتقای شیردهی توسط مادران ذکر شده است. در کنفرانس اتحاد جهانی برای اقدام به شیردهی^۷ (WABA) که در سال ۱۹۹۶ در تایلند برگزار شد، بیانیه‌ای در خصوص تغذیه کودکان و حقوق بشر تنظیم شد.^۸ پرسش اصلی در این کنفرانس این بود که آیا کودکان شیرخوار باید حقی نسبت به شیر مادر داشته باشند یا خیر؟ این مسئله

1. www.elogica.com.br/waba/inno.htm

2. 'all women should be enabled to practice exclusive breastfeeding and all infants should be fed exclusively on breast-milk from birth to four-six months of age.'

3. World Declaration and Plan of Action for Nutrition

4. www.fao.org/waicert/faoinfo/economic/esn/icn/icnconts.htm

5. 'Breastfeeding is the most secure means of assuring the food security of infants and should be promoted and protected through appropriate policies and programmes.'

6. 'Governments in cooperation with all concerned parties, should ... prevent food-borne and water-borne diseases and other infections in infants and young children by encouraging and enabling women to breastfeed exclusively during the first four to six months of their children's lives.'

7. World Alliance for Breastfeeding Action (WABA)

8. www.waba.org.my/about-waba

از آنجایی که آزادی و اختیار عمل مادر را محدود می‌کند و وی را مکلف به شیر دادن می‌نماید، چالش‌زا و قابل بحث بود. اتحاد جهانی برای اقدام به شیردهی در سال ۱۹۹۸، اعلامیه‌ای را تحت عنوان «شیردهی، زنان و اشتغال؛ حقوق بشر و راهکارها»^۱ صادر نمود.^۲ در مقابل یونیسف نیز متنی را تحت این عنوان منتشر نمود که «شیردهی چگونه می‌تواند از حقوق بشر باشد؟» این گونه مباحثات در خصوص حق کودک بر تغذیه از شیر مادر به‌عنوان یک حق حقوق بشری ادامه داشت تا نهایتاً در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۰، اصولی هفت‌گانه تحت عنوان «بیانیه اجماعی در مورد حق تغذیه شیرخواران»^۳ منتشر شد که مبتنی بر استنباطاتی است که از اصول و قوانین بین‌المللی حقوق بشر اخذ شده است. این اصول به قرار ذیل است:

۱. شیرخواران حق دارند تا از گرسنگی رهایی یابند و از بهترین استانداردهای بهداشتی برخوردار شوند.

۲. شیرخواران حق دارند تا از تغذیه کافی، خدمات بهداشتی و مراقبت برخوردار شوند.

۳. دولت و دیگران موظف‌اند به روابط پرورشی بین مادر و کودک احترام گذاشته، آن را حمایت و تسهیل کنند.

۴. زنان دارای حقوق اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی هستند و نسبت به دیگر شرایطی که برای شیردهی از سینه یا رساندن شیر سینه خود با وسایلی دیگر به شیرخوار، مناسب است دارای حق می‌باشند. این بدین معناست که زنان نسبت به امور زیر حق دارند:

- مراقبت مناسب دوران بارداری؛

- دسترسی به اطلاعات اساسی در مورد بهداشت کودک، تغذیه، مزایای شیردهی، اصول شیردهی مطلوب و روش‌های جایگزین تهیه شیر مادر؛

- حمایت در برابر اطلاعات غلط در زمینه‌ی تغذیه کودک؛

- حمایت خانواده و جامعه در عمل شیردهی از سینه؛

- حمایت مادرانه قانون که زنان را قادر سازد تا در طی دوران شیردهی دارای شغل پردرآمد نیز باشند؛

- وجود وسایل بهداشتی کودک پسند.

1. Declaration on Breastfeeding, women and work: Human Rights and Creative Solutions

2. www.waba.org.br/planacti.htm

3. Consensus Statement Regarding the Nutrition Rights of Infants

۵. زنان و شیرخواران حق دارند تا در برابر عواملی که می‌تواند مانع شیردهی شود یا آن را محدود کند، حمایت قانونی شوند. در ارتباط با اسناد ذیل:

- کنوانسیون حقوق کودک؛

- قانون بین‌المللی بازاریابی جایگزین‌های شیر مادر و قطعنامه‌های مرتبط مجمع جهانی بهداشت؛

- کنوانسیون حمایت مادری سازمان بین‌المللی کار شماره ۱۰۳ و اصلاحات آن؛^۱

- اعلامیه تأمین، ارتقاء و حمایت از شیردهی از سینه.

۶. دولت‌ها نسبت به حمایت، حفظ و ارتقای شیردهی از طریق فعالیت‌های آموزشی عمومی و تسهیل شرایط شیردهی تعهد دارند و در غیر این صورت باید تضمین دهند که شیرخواران دسترسی مطمئنی به شیر مادر دارند.

۷. هیچ زنی نباید از شیردهی منع گردد.

در ادامه بحث، پاسخ به سؤال دوم ضروری است: آیا از منظر حقوق بشر می‌توان برای

۱۴۱

کودک حقی تحت عنوان «حق تغذیه با شیر مادر» را به رسمیت شناخت؟ برخی با تکیه بر ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک که بر اصل مصالح عالی‌ه کودک تأکید دارد، نظر داده‌اند که تغذیه کودک با شیر مادر مناسب‌ترین شکل تغذیه او در مقایسه با سایر جایگزین‌های شیر مادر است، بنابراین رعایت مصالح عالی‌ه کودک ایجاب می‌کند که برای وی نسبت به تغذیه با شیر مادر حقی بین‌المللی بشناسیم (George Kent, 2001: 97). در مقابل برخی مطرح نموده‌اند: اگرچه رعایت اصل مصالح عالی‌ه کودک در کلیه تصمیم‌گیری‌ها محترم است، لکن در کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی مربوط به کودک، این‌گونه فرض شده است که پدر و مادر در خصوص منافع عالی‌ه کودک تصمیم‌گیرنده هستند و هر آنچه آن‌ها برای کودک خویش به مصلحت بدانند، باید در مورد وی اعمال شود و دولت‌ها صرفاً باید در موارد ضروری و فوق‌العاده و خاص دال بر اقدام والدین خلاف مصالح عالی‌ه کودک، دخالت نمایند. این گروه، ضمن احترام به استدلال زیربنایی قائلین به وجوب تغذیه کودک با شیر مادر، به عنوان بهترین وسیله تغذیه و تأمین بهداشت کودک، اعلام می‌دارند که این مسئله از فهم نادرست طبیعت حقوق بشر ایجاد شده است، زیرا حقوق بشر ادعا ندارد که بهترین و مناسب‌ترین رفتارها را برای افراد تجویز می‌نماید،

۱. این کنوانسیون توسط کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار که در سال ۱۹۵۲ در ژنو توسط هیئت حاکمه دفتر بین‌المللی کار تشکیل شد، به تصویب رسید و دامنه حمایت را به تعداد بیشتری از گروه‌های کارگر زن گسترش داد تا زنان شاغل در شرکت‌های صنعتی و مشاغل غیرصنعتی و کشاورزی را نیز در برگیرد.

بلکه می‌خواهد تا مانع محدودیت‌هایی شود که از بیرون و توسط دولت‌ها بر آزادی‌های اشخاص تحمیل می‌شوند؛ بنابراین مردم آزاد هستند تا سیگار بکشند یا از غذاهای نامناسب تغذیه نمایند، ولو اینکه برای سلامتی آن‌ها مضر باشد. به عبارتی دیگر، حقوق بشر باید ساحت رابطه مادر - فرزندی را از دخالت‌های خارج از خانواده مصون دارد نه اینکه خود در این رابطه دخالت نموده و مادران را مجبور به شیردهی نماید (George Kent, 2002: 184). مطابق این رویکرد، مادران باید در شیردهی به کودکان خود دارای آزادی عمل باشند تا با صلاحدید خود و مشورت با سایر اعضای خانواده، بهترین تصمیم را در خصوص تغذیه کودک خود اتخاذ نمایند (George Kent, 2006: 27); (M.C Latham, 1997: 416). بدین ترتیب قوانین کشورها باید طوری تنظیم شود که از مداخله دولت و سایر افراد در رابطه میان مادر و کودک جلوگیری نماید و از طرفی شرایطی را فراهم سازد که مادران به اطلاعات مناسب و صحیحی درباره شیردهی و مزایای آن دسترسی داشته باشند. این همان رویکردی است که در قانون بین‌المللی بازاریابی جایگزین‌های شیر مادر اتخاذ شده است. قانون مزبور خرید و فروش و استفاده از شیر خشک را ممنوع نمی‌سازد اما تأکید می‌کند که والدین باید از اطلاعات کامل و مناسبی را در این زمینه برخوردار شوند تا بتوانند تصمیم‌گیری آگاهانه‌ای در خصوص تغذیه نوزادشان داشته باشند. مطابق این مقرر بین‌المللی، وظیفه اصلی دولت‌ها اجبار زنان به شیر دادن توسط وضع قوانین نیست بلکه حذف کلیه موانعی که در این خصوص وجود دارد و ترویج اطلاعات مناسب در زمینه‌ی شیردهی از تعهدات آن‌هاست. همین رویکرد در سایر مقررات و بیانیه‌های بین‌المللی ذکر شده نیز قابل مشاهده است و در هیچ‌یک از آن‌ها، علی‌رغم تأکید به ترویج شیردهی، مقرره‌ای مشاهده نمی‌شود که دولت‌ها با وضع قوانینی ملزم به اجبار مادران به شیردهی شوند، لذا در نظام بین‌المللی حقوق بشر، نمی‌توان حق کودک بر تغذیه با شیر مادر را به‌عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخت و در اثر آن مادران را مکلف به شیردهی نمود. بر همین اساس اکثر نظام‌های حقوقی دنیا، مادران را در خصوص شیردهی به کودکان خود آزاد گذاشته‌اند تا مطابق آنچه موافق با مصلحت خود و کودکانشان می‌پندارند اقدام نمایند (M.C Latham, 1997: 183).

۳- حق بر تغذیه با شیر مادر در نظام حقوقی ایران

در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل سوم: حقوق اساسی) دولت‌ها در تأمین نیاز اساسی بر خوراک مکلف شده‌اند، لذا حق بر تغذیه به‌عنوان حقی بنیادین در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده است. حق بر تغذیه با شیر مادر نیز از منشعبات آن حق

اساسی است که نظام حقوقی ایران در راستای ترویج تغذیه با شیر مادر و توسعه آن، در سال ۱۳۷۴ قانون «ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی» را به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند. مطابق ماده ۱ این قانون، «ورود هر نوع شیر خشک و غذاهای کمکی شیرخوار، باید با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات کشور صورت گیرد و شیر خشک فقط از طریق داروخانه‌ها توزیع شود.» در ماده ۲ قانون مزبور نیز انتشار هرگونه جزوه، کتاب، نشریه و ... در مورد جایگزین‌های شیر مادر منوط به رعایت ضوابط و معیارهایی شده است. به‌اضافه در ماده ۳ این قانون و در راستای حذف یکی از مهم‌ترین موانع تغذیه کودک با شیر مادر، یعنی اشتغال مادران، تسهیلاتی در خصوص مرخصی و امنیت شغلی مادران شاغل شیرده در نظر گرفته شده است. میزان مرخصی یک‌ساعته شیردهی، به‌موجب اصلاح ماده ۳ قانون مذکور (مصوب ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی) تا پایان ۲۴ ماهگی طفل افزایش یافت. تضمین قضایی حق مرخصی ساعتی زنان شیرده در آرای دیوان عدالت اداری مشهود است. در این راستا حتی دستور موقت نیز صادر گردیده است که نشان از درک قضایی از فوریت و اهمیت حق شیردهی دارد: «در خصوص درخواست مطروحه نظر به اینکه به‌موجب قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۷ و قانون اصلاح ماده ۳ قانون مذکور مصوب ۱۳۸۴/۴/۶ مجلس شورای اسلامی، مادران شیرده بعد از شروع به کار مجدد، در صورت ادامه شیردهی می‌توانند حداکثر تا ۲۴ ماهگی کودک روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی استحقاقی و حسب نیاز کودک حداکثر در ۳ نوبت) استفاده کنند، لذا بنا بر استنادات قانونی مذکور و مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری، با احراز ضرورت و فوریت امر، دستور موقت به اجرای قوانین فوق و استفاده شاکی از یک ساعت مرخصی تا ۲۴ ماهگی تا اطلاع ثانوی را صادر و اعلام می‌دارد. دستور موقت صادره، قطعی است. شعبه ۴۲ دیوان عدالت اداری» این شعبه در دادنامه بدوی نیز حق مرخصی ساعتی شیردهی خواهان، را به‌موجب قانون مذکور تأیید کرده است و به‌موجب دادنامه ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۴۱۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۸ قطعیت یافته است.^۱

در این خصوص بانوان مشمول قانون کار، تابع ضوابط مربوط به خود هستند؛ به‌موجب ماده ۷۸ قانون کار «در کارگاه‌هایی که دارای کارگر زن هستند، کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دوسالگی کودک پس از هر سه ساعت نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. این فرصت

۱. مندرج در سایت: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/27170>، همچنین برای ملاحظه آرای مشابه: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/33764>

جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهدکودک و...) را ایجاد نماید.»

همچنین دولت ایران در اجرای احکام کیفری نیز از زنان شیرده حمایت مؤثر به عمل آورده است. مطابق ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اجرای مجازات زنان شیرده تا رسیدن طفل به دوسالگی به تعویق می‌افتد که در ماده ۱۰ آیین‌نامه شماره ۹۰۰۰/۲۷۸۶۳/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ ریاست محترم قوه قضائیه با عنوان «نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین» به تعویق اجرای مجازات مادر در مدت شیردهی پرداخته است. افزون بر این به موجب ماده ۱۵۸ آیین‌نامه اجرایی شماره ۹۰۰۰/۱۴۳۳۹/۱۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ ریاست محترم قوه قضائیه با عنوان «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مادران زندانی می‌توانند فرزند شیرخوار خود را تا سن دوسالگی در مؤسسه نگهداری کنند. افزایش مدت مذکور تا سقف شش سال با نظر شورای طبقه‌بندی امکان‌پذیر است؛ به علاوه مؤسسه مکلف به تهیه تغذیه مناسب برای مادران زندانی و اطفال همراه آنان می‌باشد و در بند «ت» همان ماده اشاره شده است که طفل شیرخوار و مادر وی تحت رژیم خاص غذایی قرار می‌گیرند.

حمایت‌های دولت از زنان شیرده در قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نیز مشاهده می‌شود که نشان از ارتقای سطح حمایت‌های دولت ایران از حق شیردهی و تغذیه با شیر مادر است. از جمله این حمایت‌ها می‌توان به اختیاری بودن اشتغال در نوبت‌کاری شب برای مادران شیرده (بند ب ماده ۱۷)، تکلیف سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی بر تجهیز اماکن و تدارک امکانات لازم خدماتی، رفاهی و آموزشی برای شیردهی بانوان (ماده ۲۲)، شناسایی مادران شیرده نیازمند و ارائه خدمات سبب تغذیه و بسته بهداشتی رایگان (ماده ۲۴)، حمایت تحصیلی از مادران شیرده (بند ج ماده ۲۶)، برقراری بیمه پایه درمان برای مادران شیرده بر اساس آزمون وسع (ماده ۴۴) اشاره کرد.

بنابراین نظام حقوقی ایران در خصوص تعهد دولت‌ها به ترویج و توسعه تغذیه با شیر مادر که در اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک بدان اشاره شده است، با خلأ قانونی خاصی مواجه نیست.

۴- حمایت از حق بر شیردهی و تغذیه با شیر مادر در نظام حقوق خانواده

فارغ از تکالیف دولت در به رسمیت شناختن و تضمین حق بر شیردهی و تغذیه با شیر مادر که در حیطه روابط میان دولت و شهروند می‌گنجد و دولت‌ها مکلفاند کلیه امکانات و شرایط لازم در این خصوص را فراهم کنند، بررسی روابط میان اعضای خانواده و بالاخص مادر و کودک در بحث شیردهی درخور اعتناست؛ در ادامه نسبت حق کودک بر تغذیه با شیر مادر و حق مادر بر شیردهی و تأمین آزادی‌های اساسی وی مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این اساس هرچند انفاق به زوجه و طفل بر عهده زوج است و تغذیه نیز یکی از مصادیق بارز انفاق تلقی می‌گردد، لکن به جهت نقش حضانتی والدین در اسلام و قانون مدنی ایران، مسئله رضاع از سوی مادر مطرح می‌شود که به صورت تطبیقی در حقوق خانواده ایران، فقه امامیه و فقه عامه و برخی از کشورهای اسلامی در ادامه بررسی خواهد شد.

۴-۱- بررسی حق و تکلیف شیردهی در حقوق خانواده ایران

مسئله شیردهی کودک از جمله فروع حقوق مادر - فرزندی است. در نظام حقوقی ایران روابط مادر و فرزند در نهاد حضانت تنظیم شده است؛ بنابراین از نظر علمی مسئله حق کودک بر شیر مادر باید ذیل حضانت بحث گردد. اما در قانون مدنی و نصوص روایی، تعریفی از حضانت دیده نمی‌شود؛ بنابراین حضانت، یک حقیقت شرعیه نیست و برای تعریف حضانت و تعیین لوازم آن باید به عرف رجوع نمود و از آن مدد گرفت.

مطالعه متون فقهی حاکی از آن است که تا قبل از قرن هفتم هجری، در میان فقها تعریف خاصی از حضانت ارائه نشده است (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۳۰۳). برای نخستین بار علامه حلی حضانت را به «ولایت و سلطنت بر تربیت طفل» تعریف نمود (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۰۱). متعاقباً شهید ثانی در کتاب مسالک و صاحب ریاض نیز از همین تعریف استفاده نموده‌اند (جبعی‌العاملی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۴۲۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۱۵۳)؛ اما مرحوم صاحب جواهر از جمله فقهای است که بر این تعریف اشکال نموده و معتقد است که مطابق این تعریف، حضانت غیرقابل اسقاط است؛ درحالی‌که در ادله مربوط به حضانت تعبیر به احقیقیت و الویت مادر نسبت به پدر و همچنین تعبیر به مشیت و اراده ابوبن شده است که به موجب آن اگر مادر از حق خود امتناع کند، نوبت به پدر می‌رسد و اگر وی نیز امتناع نماید، نگهداری فرزند با حاکم شرع است؛ بنابراین از آنجاکه حضانت قابل اسقاط توسط ابوبن است، نمی‌توان آن را تعبیر به ولایت نمود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۲۸۴).

حقوقدانان تعاریف مشابهی از حضانت ارائه داده‌اند؛ برخی آن را «عبارت از نگهداری مادی و معنوی طفل به‌توسط کسانی که قانون مقرر داشته است» تعریف نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۱۶) و برخی دیگر در تعریف حضانت گفته‌اند: «حضانت نگه‌داشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است، با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است.» (صفایی و امامی، ج ۲: ۱۳۰). از این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که حضانت دارای دو بعد مادی و معنوی است. مراد از بعد مادی حضانت، همان نگهداری کودک و رشد جسمی و فیزیکی اوست و منظور از بعد معنوی حضانت، تربیت کودک و ارتقای رشد معنوی و اخلاقی وی است. مسئله تغذیه کودک و به‌تبع آن شیر دادن مادر به وی از جمله لوازم اولیه رشد کودک است که در بعد مادی حضانت (نگهداری) لحاظ می‌گردد.

گفته شد که حضانت از حقایق شرعیه نیست و برای تعیین لوازم آن باید به عرف رجوع نمود. از همین فقها برای تعیین لوازم حضانت به ذکر چند مثال از لوازم عرفیه نگهداری طفل اکتفاء نموده‌اند (جبعی‌العالمی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۴۲). بر این اساس، شیر دادن مادر به طفل باید داخل در تکالیف حضانتی وی در نظر گرفته شود چراکه عرف عقلاء این امر را از ضروریات اولیه و از لوازم مسلم نگهداری و رشد کودک می‌داند. باین‌حال نظام حقوقی ایران به تبعیت از قول مشهور فقهای امامیه در ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی، مسئله رضاع یا شیر دادن مادر به فرزند خود را از حضانت مستثنا کرده و آن را از تکالیف مادر نسبت به فرزند خویش نمی‌داند. به‌موجب این ماده، «مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر از شیر مادر ممکن نباشد.» بدین ترتیب، برخلاف مورد حضانت که حق مادر از لوازم تکلیف اوست، شیر دادن به فرزند به‌واقع «حق» مادر است؛ اگر او بخواهد از این حق استفاده کند پدر یا مقام عمومی نمی‌تواند مانع او شود؛ ولی هرگاه مایل نباشد، اجبار او امکان ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۵). مضافاً بر اینکه این حق مادر، حقی است که دارای ماهیت مطالبه است و از این‌رو مادر می‌تواند از شوهر بخواهد برای شیر دادن به فرزند، به او اولویت دهد و فرزند را برای شیر دادن به زن دیگری نسیپارد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۳؛ حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۷۱؛ موسوی‌الخمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۲۷۹). در این خصوص گفته شده چون مادر در مقایسه با دیگران، نسبت به فرزند خود مهربان‌تر است، دارای نوعی حق تقدم در شیردهی به کودک خود است (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۳۳).

از آثار انتفای تکلیف مادر نسبت به شیردهی این است که وی می‌تواند در ازای شیر دادن به فرزند خود مطالبه اجرت نماید. در این صورت، مطابق قاعده «احترام عمل مسلمان» پدر طفل باید اجرت شیر دادن مادر را از مال طفل بردارد که اصطلاحاً به آن «اجره‌الرضاع» گفته

می‌شود و در صورتی که طفل مالی نداشته باشد، پدر باید از باب نفقه طفل اجرت رضاع را بدهد و در صورتی که پدر نیز مالی نداشته باشد، این تکلیف بر عهده جدّ پدری است و در صورتی که جدّ پدری نیز استطاعت نداشته باشد، بر مادر واجب است که به فرزند خود شیر دهد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۲؛ حائری شاهباغ، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۰۴۱؛ موسوی‌الخیمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۲۷۹). البته در خصوص حق مادر بر مطالبه اجرت، در مواضعی که وی مکلف به شیر دادن است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقهای امامیه نظر داده‌اند که چون مادر وظیفه خود را در این مورد انجام می‌دهد، حق مطالبه اجرت ندارد. به عبارت آخری، وجوب رضاع، منافی استحقاق اجرت است (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۳). در مقابل پاسخ داده شده است که وجوب امری با استحقاق اجرت آن منافات ندارد، چنانکه برای مثال بر مالک غذا واجب است آن را به شخصی که مضطر است بدهد، ولی می‌تواند عوض نیز بگیرد (وزیری، ۱۳۸۴: ۱۵۸). به هر حال قول مشهور فقهای امامیه این است که مادر حتی در مواضع وجوب رضاع نیز مستحق اجرت است (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲: ۲۸۹).

آنچه در خصوص «حق» مادر بر شیردهی گفته شد، به عنوان یک حکم اولی است که ممکن است مانند سایر احکام اولیه تحت تأثیر احکام ثانویه‌ای همچون لاضرر قرار گیرد. از این رو ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی پس از آنکه حکم اولی حق مادر و عدم تکلیف وی نسبت به شیردهی را بیان می‌کند، بلافاصله در قالب مخصص متصل مقرر می‌دارد: «مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.» بدین ترتیب، در شرایطی که از نظر پزشکی شیر مادر تنها وسیله تغذیه طفل باشد یا به دلیل عسرت پدر و مادر یا حوادث قهری امکان تهیه شیر خشک یا غذای مناسب دیگر ممکن نباشد و یا حتی کودک، سینه زنی غیر از مادر خود را نپذیرد، حق مادر بر شیر دادن تبدیل به تکلیف وی می‌گردد و می‌توان از دادگاه، اجبار وی بدین امر را درخواست نمود (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۷۱۶-۷۱۷)؛ بنابراین بخش اخیر ماده ۱۱۷۶ بر عنوان ثانوی «ضرر» مبتنی است؛ هر چند در تنظیم آن دقت لازم صورت نگرفته و تعبیر «ممکن نباشد» محدوده‌ی حکم ثانوی لاضرر را بدون دلیل، مضیق ساخته است؛ در حالی که از نظر فقهی ملاک دست برداشتن از حکم اولی، «عدم امکان تغذیه طفل به غیر شیر مادر» نیست، بلکه هرگاه امتناع مادر از رضاع کودک موجب شود که سلامت کودک در معرض خطر قرار گیرد، به حکم ثانوی، مادر به رضاع کودک مجبور خواهد شد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۳۰).

در مجموع می‌توان گفت نظام حقوقی ایران در کشاکش حقوق مادر و کودک در مسئله شیردهی، آزادی عمل مادر و حق وی را محترم شناخته است و زن را از این حیث مکلف به شیر دادن به فرزند خود نکرده است. بدین ترتیب، در تطبیق موضع نظام بین‌المللی حقوق بشر، رویکرد

قانون ایران در خصوص شناسایی «حق مادر» نسبت به شیر دادن به فرزند خود، نه تنها تعارض و مغایرتی با اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک ندارد، بلکه موافق آن‌ها نیز است. البته به اعتقاد نگارنده نظام حقوقی ایران یک گام نیز از موضع مقررات بین‌المللی در راستای ایجاد تعادل بین حقوق کودک و مادر جلوتر است؛ چراکه اولاً برای مادر نسبت به دیگران نوعی حق تقدم در شیر دادن به فرزند خود می‌شناسد و ثانیاً در مواردی که تغذیه کودک با غیر از شیرمادر ممکن نباشد، مادر را مکلف به شیر دادن به فرزند خود می‌کند.

۴-۲- بررسی حق و تکلیف شیردهی در فقه امامیه

موضع قانون مدنی ایران در خصوص شیردهی که در ماده ۱۱۷۶ ق.م. منعکس شده، از نظر مشهور فقهای امامیه اخذ شده است که در ادامه به اجمال بررسی می‌شود.

در کتب فقها، مسئله حق کودک بر تغذیه با شیر مادر یا «ارضاع ولد» در ذیل احکام اولاد و مسئله حق حضانت مادر بحث شده است. مشهور فقهای امامیه اعتقاد دارند که شیر دادن طفل بر مادر واجب نیست و حتی بر این قول، ادعای اجماع نیز شده است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۳۰۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۲۷۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۱۴۵). ادله این قول، علاوه بر اصل عدم وجوب شامل موارد زیر است (نظری توکلی، ۱۳۹۱: ۶۰):

۱. بر اساس جمله شرطی آیه «فان ارضعن لکم فاتوهن اجورهن»؛ اگر مادر به کودک خود شیر دهد، پدر می‌باید دستمزد مادر را بپردازد؛ بنابراین وجود این شرط، حاکی از آن است که حق انتخاب شیردهی با مادر است، پس نمی‌توان او را مجبور به انجام آن کرد.

۲. آیه «لا تضار والده بولدها»؛ این آیه هر نوع ضرری را که به واسطه فرزند به مادر برسد، نفی کرده است؛ بنابراین اجبار مادر بر امر شیر دادن، از مصادیق اضرار به او بوده که به حکم آیه مزبور، ارتکاب آن حرام است.

۳. روایت سلیمان بن داود منقری؛ «سئل أبو عبدالله علیه السلام عن الرضاع؟ فقال: لا تجبر الحرّة علی رضاع الولد و تجبر أم الولد.» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۱: ۴۵۲)

در نقد دلیل اول می‌توان گفت که عبارت «فان ارضعن لکم فاتوهن اجورهن» در آیه ۶ سوره طلاق، در خصوص مطلقه باین است که عدم وجوب ارضاع برای وی مفروغ‌عنه و خالی از بحث است (بحرانی، بی‌تا، ج ۷: ۲۵؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲: ۲۸۹، خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴: ۴۶۹). به علاوه این آیه بر لزوم تعلق اجرت دلالت دارد نه عدم وجوب ارضاع؛ مگر آنکه قائل به تلازم میان عمل واجب و نفی تعلق اجرت به آن باشد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۲: ۲۹۶-۲۹۵) که این نظر هم قابل

مناقشه است. چون ممکن است مصداقی یافت شود که این تلازم در آن جاری نباشد؛ مثل آنکه بر مالک غذا واجب است تا آن را به شخصی که مضطر است بدهد، ولی می‌تواند عوض آن را نیز اخذ کند (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲: ۲۸۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۱۴۶؛ خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴: ۴۶۹). به دلیل دوم نیز این اشکال وارد است که اجبار مادر به شیر دادن، عرفاً از مصادیق اضرار به وی نیست (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۲: ۲۹۶-۲۹۵)؛ اما در خصوص روایت منقری باید گفت که سند این روایت ضعیف است و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه نیز آن را به صورت مرسل ذکر کرده است؛ اگرچه عمل مشهور فقهاء به این روایت، ضعف آن را جبران کرده و ظاهر آیات ذکرشده نیز موید آن است (همان).

به هر حال فقهای شیعه به استناد ادله مذکور قائل به این هستند که اجبار مادر بر شیر دادن به فرزندش ممکن نیست و در نهایت به اقتضای جمع بین این دلایل و دلایلی توصیه بر امر شیردهی می‌باشد، شیر دادن مادر به فرزند را مستحب می‌دانند (حسینی ادیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). در خصوص وجوب ارضاع با شیر لباء نیز میان فقها اختلافی است. لباء (به کسر لام) در اصطلاح فقهی به معنای نخستین شیری است که پس از ولادت در سینه مادر جمع می‌شود (مسجدسرای، ۱۳۹۳: ۵۱۱). در زبان فارسی به آن «آغوز» می‌گویند و در لغت این‌گونه معنا شده است: «شیر غلیظ گاو یا گوسفند که پس از زاییدن آن‌ها تا سه روز دوشیده می‌شود.» (عمید، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۱). در میان فقها، برخی معنای لباء را شیری دانسته‌اند که تا سه روز از سینه زن دوشیده می‌شود و برخی دیگر معنای آن را همان یک‌بار دوشیدن می‌دانند؛ لکن از ظاهر عبارات لغویون عرب‌زبان همان معنای دوم به دست می‌آید (جبعی‌العالمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۱۴۶). در اصطلاح پزشکی، شیر مادر در هفت روز اول تولد نوزاد، آغوز نامیده شده و مایعی است زردرنگ و غلیظ که مقدار آن کم و بستگی به دفعات حاملگی مادر دارد (فیض، ۱۳۹۴: ۳۳۵).

در خصوص فواید بسیار آغوز گفته شده است: «آغوز یک غذای استثنایی و تکرار نشدنی برای آغاز زندگی کودک در دنیای خارج رحم است. این غذای استثنایی شیری است که در چند روز اول زندگی ترشح می‌شود و سرشار از انواع «آنتی‌کورها» و «ایمونوگلوبولین‌ها» لازم برای مبارزه موفق کودک با عوامل بیماری‌زای محیطی است و به عبارت دیگر آغوز سلاح لازم را برای کودک تازه متولدشده به همراه دارد تا او را در رویارویی با عوامل بیماری‌زای محیطی یاری کند.» (وزیری، ۱۳۸۴: ۱۵۵). همچنین گفته شده است: «مقدار پروتئین آغوز، زیاد و چربی آن کمتر از شیر هفته‌های بعد پستان مادر است. این ترکیب با احتیاج نوزاد در هفته اول تولد متناسب است. آغوز از نظر ویتامین «آ» که در چربی حل می‌شود و همچنین کاروتینوئید و ویتامین «ای» بسیار غنی است

و در حدود سه برابر مقداری است که در شیر هفته‌های بعد وجود دارد.» (فیض، ۱۳۹۴: ۳۳۵) از میان فقها، علامه حلی در قواعد و شهید در لمعه، قائل به وجوب ارضاع لباء شده‌اند (حلی، ۱۴۱۳ ج ۳: ۱۰۱؛ مکی‌العاملی، ۱۴۱۱: ۱۷۶). همچنین سید محمد بحر العلوم در کتاب بلغه‌الغیبه همین نظر را پذیرفته است (بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۰) و از میان فقهای معاصر نیز مرحوم آیت‌الله خویی و مرحوم آیت‌الله تبریزی قائل به همین نظر شده‌اند (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۸۵). استدلال این دسته از فقها این است که حیات طفل موقوف به لباء است و غالباً طفل بدون آن زنده نمی‌ماند. همچنین در صورتی که طفل از لباء تغذیه نشود، دارای بنیه قوی و مناسبی نخواهد شد (جبعی‌العاملی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۹)؛ اما مشهور فقها در این استدلال مناقشه کرده‌اند و وجوب ارضاع لباء به طفل را مغایر با اطلاق ادله مربوطه دانسته‌اند؛ چه اینکه در نصوص وارده فرقی میان لباء و غیر آن در خصوص عدم وجوب ارضاع توسط مادر نهاده نشده است. از طرفی استدلال به وقوف حیات طفل به لباء نیز رد شده است؛ چه اینکه ممکن است طفلی بدون اینکه از لباء تغذیه شود، زنده بماند (جبعی‌العاملی، بی تا، ج ۸: ۴۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۲۷۳؛ محقق‌سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲: ۲۸۹؛ بحرانی، بی تا، ج ۲۵: ۷۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۱۴۶؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۲: ۲۹۷).

۴-۳- بررسی حق و تکلیف شیردهی در فقه عامه و سایر کشورهای اسلامی

تقریباً در تمامی مذاهب اسلامی بر مادر واجب نیست تا به فرزند خود شیر دهد (حسینی‌ادیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵؛ واحدی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). در این میان قول ابوحنیفه و شافعی مطلق است و تفاوتی میان زن شریفه و غیرشریفه و همچنین زن معسر و موسر نگذاشته‌اند (ابن ادریس، ۱۴۳۰، ج ۲: ۶۶۰)؛ اما مالک معتقد است که اگر زوجه شریف‌النسب و یا ثروتمند باشد، مرد نمی‌تواند وی را به شیر دادن مجبور نماید (حسینی‌ادیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵؛ واحدی، ۱۳۹۴: ۱۶۵؛ ابن ادریس، ۱۴۳۰، ج ۲: ۶۶۰). به‌رحال کلیه فقهای عامه اعتقاد دارند که اگر مرضعه‌ای غیر از مادر طفل برای وی پیدا نشود و یا اینکه طفل پدر نداشته باشد و یا پدر و طفل مالی برای دادن اجرت ارضاع نداشته باشند و یا طفل سینه کسی غیر از مادر خود را قبول نکند، شیر دادن به طفل بر مادر وی واجب می‌گردد (وزیری، ۱۳۸۴: ۱۶۱؛ گرجی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴۶).

با مطالعه در نظام‌های حقوقی سایر کشورهای اسلامی این نتیجه به دست می‌آید که این کشورها تحت تأثیر مذاهب فقهی خود، در خصوص وجوب یا عدم وجوب شیر دادن به طفل، یکی از این دو رویکرد را مورد تبعیت قرار داده‌اند.

نظام حقوقی کشورهای کویت و یمن، در این خصوص رویکردی مشابه رویکرد نظام حقوقی ایران دارند. به موجب ماده ۱۸۶ قانون احوال شخصیه کویت مصوب ۱۹۸۴، تنها زمانی که تغذیه کودک به غیر شیر مادر ممکن نباشد، شیر دادن طفل را بر مادر واجب می‌کنند. در مادتين ۱۸۷ و ۱۸۸ قانون مزبور نیز مقرراتی در خصوص اجرت شیر دادن مادر ذکر شده است که حاکی از قبول نظریه عدم وجوب رضاع توسط این کشور است. کشور یمن نیز در ماده ۱۳۶ قانون احوال شخصیه خود که در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسانده، از همین رویکرد تبعیت نموده است. با این تفاوت که این کشور در کتاب سوم از قانون مذکور، فصل مستقلی را به مسئله شیردهی اختصاص داده است. در نظام حقوقی مراکش (مغرب)، مقرره‌ای وجود ندارد که صراحتاً رضاع را از حضانت مستثنا نماید. باین حال شواهدی یافت می‌شود که حاکی از آن است که این کشور نیز شیر دادن به فرزند را بر مادر واجب نمی‌داند. مطابق ماده ۲۰۱ قانون خانواده مراکش مصوب ۲۰۱۰، اجرت شیر دادن به فرزند بر عهده کسی است که مکلف به پرداخت نفقه اوست. به علاوه در ماده ۱۶۷ قانون مزبور، اجرت رضاع از هزینه‌های مربوط به حضانت که ممکن است مادر مکلف به تأدیه آن‌ها باشد، استثناء شده است؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که نظام حقوقی مراکش نیز شیردهی به فرزند توسط مادر را تکلیف وی نمی‌داند؛ در غیر این صورت پرداخت اجرت شیردهی با وجوب آن منافات دارد. نظام حقوقی اردن، تکلیف مادر به شیردهی را به صورت مشروط پذیرفته است؛ اما شرایطی که قانون این کشور در این خصوص بر شمرده است، در واقع همان شرایطی است که با تحقق آن، کلیه فقهای مسلمان قائل به وجوب شیردهی شده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی اردن نیز اصل اولیه بر این قرار گرفته که مادر تکلیفی بر شیر دادن ندارد. به موجب ماده ۱۵۰ از قانون احوال شخصیه این کشور مصوب ۱۹۷۶، در صورتی که طفل یا پدر وی مالی نداشته باشد تا به واسطه آن مرضعه‌ای را اجاره نماید و زنی نیز یافت نشود که تبرعا طفل را شیر دهد یا در صورتی که پدر طفل، شخصی را برای شیر دادن پیدا نکند و یا طفل پستان شخصی غیر از مادرش را نپذیرد، تکلیف مادر نسبت به شیر دادن مستقر می‌شود. در ماده ۱۵۳ این قانون نیز حق تقدم مادر برای شیردهی به فرزندش به رسمیت شناخته شده است.

از جمله کشورهایی که صراحتاً حق کودک بر تغذیه با شیر مادر را به رسمیت شناخته و در اثر آن مادر را مکلف به شیر دادن به کودک نموده، کشور عراق است. ماده ۵۵ قانون احوال شخصیه عراق مصوب ۱۹۵۹، مادر را مکلف نموده تا به فرزند خود شیر دهد مگر در صورتی که مادر، مرضی داشته باشد که مانع شیردهی وی باشد.

نظام حقوقی تونس نیز حق کودک بر تغذیه با شیر مادر را به رسمیت شناخته است. ماده ۳۸ قانون احوال شخصیه تونس مصوب ۱۹۵۶، پدر طفل را در تنها در صورتی که مادر وی دارای عذری برای شیر دادن باشد مکلف نموده تا از باب نفقه، تغذیه طفل را ممکن سازد؛ بنابراین مطابق این قانون حکم اولی این است که بر مادر شیر دادن به کودک واجب است مگر آنکه دارای عذر باشد. البته مصادیق متعددی بودن مادر مشخص نشده است؛ لکن از آنجاکه اصل را بر تکلیف مادر قرار داده است، در تبیین موارد تعذر باید دقت نمود و از گسترش آن‌ها خودداری نمود. بدین ترتیب مواردی چون مرض مادر و یا مواردی را که شیر دادن منجر به انتقال بیماری به کودک می‌شود، می‌توان از معاذیر مادر دانست.

نظام‌های حقوقی بحرین، قطر و لیبی نیز با رویکردی متفاوت، مادر را مکلف به شیردهی نموده است؛ در قانون خانواده بحرین مصوب ۲۰۰۹، در میان مقررات مربوط به حضانت، ماده‌ای در خصوص وجوب شیردهی به کودک مشاهده نمی‌شود؛ لکن تکلیف زن در این خصوص، در ذیل حقوق زوجین و به‌طور خاص حقوق زوج مورد اشاره قرار گرفته است. به‌موجب بند ب ماده ۳۸ قانون مذکور، نگهداری فرزندان زوج و شیر دادن به آن‌ها مگر در مواردی که مانع شرعی وجود داشته باشد از جمله حقوق زوج در برابر زوجه است. به‌موجب ماده ۵۸ قانون خانواده قطر مصوب ۲۰۰۶ یکی از حقوق مربوط به زوجیت مرد، شیر دادن زن به فرزندان اوست، مگر در صورتی که زن دارای عذر شرعی باشد و مطابق ماده ۷۷ همین قانون، پدر طفل مکلف است در صورتی که مادر، متعذر از شیر دادن به طفل باشد، با رعایت قواعد مربوط به نفقه اولاد، شرایط شیر خوردن طفل را فراهم نماید. بند «د» ماده ۱۸ قانون احوال شخصیه لیبی مصوب ۱۹۸۴ نیز ارضاع اولاد زوج را از تکالیف زوجه دانسته است، مگر آنکه مانعی مربوط به سلامت وی وجود داشته باشد. به‌علاوه در ماده ۶۱ این قانون مقرر شده است که مادر کودک باید تا زمانی که در قید زوجیت پدر او است، بدون حق مطالبه اجرت، به فرزند خود شیر دهد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در این کشورها، مسئله شیردهی قبل از آنکه حق کودک باشد، حق پدر اوست.

به‌طور کلی در نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی از دو نظریه وجوب شیردهی به کودک توسط مادر و عدم وجوب آن پیروی شده است (گرچی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴۶). نظام‌های حقوقی‌ای که قائل به تکلیف مادر در خصوص شیردهی هستند، اصل را بر وجوب ارضاع گذاشته‌اند مگر آنکه موانع یا معاذیر شرعی و جسمی وجود داشته باشد. در مقابل کشورهایی که مادر را مکلف به شیردهی نمی‌دانند، اصل را بر عدم وجوب ارضاع قرار داده و استثنای این اصل را تنها در صورتی دانسته‌اند که تغذیه کودک با شیری غیر از شیر مادر ممکن نباشد. در میان کشورهایی نیز که از

نظریه وجوب ارضاع تبعیت نموده‌اند، می‌توان دو رویکرد را مشاهده نمود. برخی از این کشورها همچون عراق و تونس با رویکرد حمایت از حقوق کودک، مادر را مکلف به ارضاع نموده‌اند و در واقع حق کودک بر تغذیه با شیر مادر را به معنای واقعی خود پذیرفته‌اند. در مقابل، کشورهایی چون بحرین، قطر و لیبی مسئله شیردهی را از حقوق مشترک کودک و زوج دانسته‌اند. با این توضیح که تکلیف مادر در برابر کودک از لوازم مربوط به حضانت او بوده و تکلیف وی در برابر زوج از آثار مربوط به زوجیت آن‌هاست.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر حق بر شیردهی و تغذیه با شیر مادر در دو سطح روابط میان دولت و شهروند و حقوق و تکالیف فی‌مابین والد و طفل بررسی گردید. نظام حقوقی ایران نیز همسو با نظام بین‌الملل کلیه حمایت‌های مؤثر از این موضوع را به عمل آورده است. باین حال نحوه تعامل دولت با مسئله شیردهی جنبه حمایتی دارد و فاقد جنبه تکلیفی برای مادران است.

در نظام حقوق خانواده ایران، حضانت ماهیتی عرفی دارد و مصادیق نگهداری کودک را عرف معین می‌کند نه قانون و انجام هر عملی که عقلاً و عرفاً برای کودک لازم باشد، تکلیف والدین است. از جمله این تکالیف مسئله شیر دادن مادر به کودک است؛ زیرا مزایای تغذیه کودک با شیر مادر، امری است که از نظر علمی کاملاً ثابت شده است. باین حال قانون‌گذار در خصوص حضانت، تنها در یک مورد دخل و تصرف کرده و آن نیز همین مسئله شیردهی بوده است. لذا در بادی امر به نظر می‌رسد که دخل و تصرف مقنن در موضوع به این مهمی، حداقل از نظر حقوق بشری محل انتقاد باشد.

با مطالعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر و آرای حقوقدانان این حوزه، این نتیجه به دست می‌آید که در تعارض و کشاکش حق مادر و کودک در مسئله شیردهی، به آزادی و انتخاب عمل مادر اهمیت داده شده است؛ چراکه شیردهی امری است که احتمالاً مبادرت به آن، منافی آزادی‌های زن باشد. همچنین اگر مادر بخواهد به این امر اقدام کند، هیچ شخص یا اشخاصی از جمله پدر کودک یا دولت نمی‌توانند مانع از آن بشوند. لذا مادر تکلیف به شیر دادن ندارد، ولی حق این کار را دارد. اثر نفی چنین تکلیفی از عهده مادر، این است که در این رابطه متقابل، آزادی‌های مادر به‌عنوان حقی بنیادین بر حقوق عادی کودک تقدم دارد، مگر آنکه عناوین ثانویه از جمله لاضرر لزوم حفظ حیات کودک را از طریق شیردهی ایجاب نماید. نظام حقوقی ایران دقیقاً همین نظر را در ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی و به تبعیت از آرای فقهای امامیه قبول کرده است. ضمن اینکه با

مطالعه تطبیقی قوانین سایر کشورهای اسلامی در این حوزه، می‌توان به این نتیجه کلی نائل شد که رویکرد کلی حقوق اسلامی، موافق با موازین حقوق بشری در این خصوص می‌باشد؛ لکن در پاره‌ای از کشورهای اسلامی با اجبار مادر به شیردهی فرزند خود از زاویه روابط میان زوجین، حقی برای زوج در شیردهی به فرزندش شناسایی کرده‌اند و برخی نیز حق کودک بر تغذیه با شیر مادر خود را بر حقوق و آزادی‌های بنیادین مادر مقدم داشته‌اند که به نظر می‌رسد برخلاف نظام حقوق بشری، چنین حقی را برای طفل، از جمله حقوق اساسی تلقی کرده‌اند.

منابع

- ◀ ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۴۳۰ ق). کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ انصاری شیرازی، قدرت‌الله، (۱۴۲۹ ق). موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ج ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- ◀ باودن، جانی و آلیسون تانیس، (۱۳۹۳). سالم‌ترین و بهترین غذاهای دوران بارداری، ترجمه: محمود ثابت‌نژاد، تهران: یاس بهشت.
- ◀ بحر العلوم، السید محمد، (۱۴۰۳ ق). بلغه الفقیه، ج ۲، تهران: مکتبه الصادق.
- ◀ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ج ۲۵، قم: موسسه النشر الاسلامی، (بی‌تا).
- ◀ تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۱۶ ق). صراط النجاه، ج ۲، قم: سلمان فارسی.
- ◀ تقوی اردکانی، عباس و ناهید عزالدین زنجانی، (۱۳۹۴). «فواید تغذیه انحصاری با شیر مادر در شش ماه اول زندگی»، شیر مادر، ش ۶۳ و ۶۴.
- ◀ جبعی‌العاملی، (شهید ثانی). زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳ ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۸، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- ◀ جبعی‌العاملی، (شهید ثانی). زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۲ ق). الروضه البیبه فی شرح للمعه‌الدمشقیه، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۴). ترمینولوژی حقوق، چاپ ۲۷، تهران: گنج دانش.
- ◀ حائری شهاب‌بخ، سید علی، (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی، ج ۲، چاپ ۱، تهران: گنج دانش.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، (بی‌تا). وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، ج ۲۱، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ◀ حسینی‌ادیانی، سید ابوالحسن، (۱۳۹۵). فقه مقارن (۲): ازدواج و طلاق، چاپ ۱، تهران: دانشگاه الزهراء، (س).
- ◀ حسینی‌الروحانی، السید محمدصادق، (۱۴۱۲ ق). فقه‌الصادق، ج ۲۲، چاپ ۳، قم: مدرسه‌الامام‌الصادق علیه‌السلام.

- ◀ حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده، چاپ ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ حلی، (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ حلی، (علامه). حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۷، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ حیاتی، علی‌عباس، (۱۳۹۳). حقوق خانواده، تهران: میزان.
- ◀ خوانساری، السید احمد، (۱۳۵۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۴، تهران، مکتبه الصادق.
- ◀ دزی‌صفت، نفیسه، (۱۳۸۶). راهنمای گام به گام رابطه مادر و کودک، تهران: حافظ نوین.
- ◀ زرنشان، شهرام و احمد رضوانی مفرد، (۱۳۹۶). «حمایت از حق تغذیه کودک با شیر مادر در اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مطالعات حقوق تطبیقی، د ۸، ش ۲.
- ◀ سمرقندی، علاءالدین محمد، (۱۴۱۴ ق). تحفه الفقهاء، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ◀ سیفی، آناهیتا و نجمه رزمخواه، (۱۴۰۰). «حق بهره‌مندی از شیر مادر در اردوگاه پناهندگان در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر»، د ۲۴، ش ۹۳.
- ◀ صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، (۱۳۹۳). حقوق خانواده، ج ۲، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ◀ طباطبائی، السید علی بن السید محمدعلی، (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۲، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ◀ عمید، حسن، (۱۳۹۲). فرهنگ فارسی عمید، ج اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ◀ غلامعلی، علی، (۱۳۹۹). «حق بر تغذیه با شیر مادر در پرتو مبانی حقوق بشر اسلامی»، حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، پیاپی ۵۲.
- ◀ فیض، جواد، (۱۳۹۴). من و کودک من، چاپ ۴۹، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: میزان.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳). حقوق مدنی خانواده، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ◀ گرجی، ابوالقاسم و دیگران، (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ◀ محقق‌السبزواری، محمدباقر بن محمد مومن، (۱۴۲۳ ق). کفایه الاحکام، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ مختاریان، طاهره، داریوش فرهود، مریم مالمیر و طیبه مختاریان، (۱۳۹۶). «ضرورت اخلاقی تغذیه با شیر مادر و پایبندی به حقوق نوزادان»، اخلاق و در علوم و فناوری، س ۱۲، ش ۱.
- ◀ مسجدسرای، حمید، (۱۳۹۳). ترمینولوژی فقه، تهران: انتشارات روایت نو.
- ◀ مصطفوی، السید محمد کاظم، (۱۴۳۶ ق). القواعد، قم: موسسه النشر الاسلامی.

- ◀ مکی‌العاملی (شهید اول)، محمد بن جمال‌الدین، (۱۴۱۱ ق). *اللمعه‌الدمشقیه*، قم: دارالفکر.
- ◀ موسوی‌الخیمینی، السید روح‌الله، (۱۴۳۴ ق). *تحریر‌الوسیله*، ج ۲، قم، موسسه‌النشرالاسلامی.
- ◀ نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق). *جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام*، ج ۳۱، بیروت: دار احیاء‌التراث‌العربی.
- ◀ نظری توکلی، سعید، (۱۳۹۱). *حضان‌ت کودکان در فقه اسلامی*، تهران، سمت.
- ◀ واحدی، سید محمدرضا، (۱۳۹۴). *نکاح و طلاق در مذاهب پنج‌گانه اسلامی*، تهران: خرسندی.
- ◀ وزیری، مجید، (۱۳۸۴). *حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ◀ هدایت‌نیا، فرج‌الله، (۱۳۹۲). *عناوین ثانوی و حقوق خانواده*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Kent, G. (2001), *Breastfeeding: A Human Rights Issue? Development*, Vol. 44, No. 2.
- Kent, G. (2002), *Human Rights and Infant Nutrition*, WABA Global Forum II 23-27, Tanzania. (Penang, Malaysia: World Alliance for Breastfeeding Action, 2004).
- Kent, G. (2006), *Child Feeding and Human Rights*, *International Breastfeeding Journal*.
- Latham, M.C. (1997), *Breastfeeding A Human Right Issue? The International Journal of Children's Rights*, Vol. 5, No. 4.